



واکنش آیت‌الله‌العظمی سبحانی بر ادعای اخیر مصطفی ملکیان درباره ریشه‌های معارف اسلامی

چندی پیش کلیپی از سخنان مصطفی ملکیان، استاد فلسفه در مورد فلسفه و معارف دینی منتشر شد که واکنش‌هایی در پی داشت.

• ریشه‌های یونانی و رواقی قرآن و نهج‌البلاغه

خلاصه سخنان مصطفی ملکیان چنین است: اکثر آنچه در قرآن و نهج‌البلاغه و فلسفه و عرفان ما هست، از غرب آمده است! ۱. بخش بزرگی از آنچه در فرهنگ اسلامی وجود دارد، ریشه در اندیشه‌های یونان و روم باستان دارد.

۲. بسیاری از آموزه‌های قرآن، روایات و نهج‌البلاغه با تفکرات رواقیان همخوانی دارد.

۳. فلسفه‌ای که «اسلامی» نامیده می‌شود، در اصل بازخوانی و ادامه فلسفه افلاطون، ارسطو، نوافلاطونیان و رواقیان است.

۴. وقتی از دفاع از فرهنگ خودی سخن می‌گوییم، باید دانست که بخش مهمی از همین فرهنگ خودی، از غرب آمده است.

بسیاری از آموزه‌های قرآن و روایات تحت تأثیر تفکرات رواقیان بوده است؛ رواقیانی که فیلسوفان یونان و روم باستان بودند. برای نمونه، در قرآن آمده است: «لَکِیْلًا تَأْتِسُوْا عَلٰی مَا فَاتَکُمۡ وَلَا تَفْرَحُوْا بِمَا

رویداد ملّی «ایران همدل» برگزار شد



رویداد ملّی «ایران همدل» روایتی از همدلی ملّت ایران از کرونا تا طوفان‌الاقصی و جنگ ۱۲ روزه رژیم صهیونی، ۱۵ مهرماه در حسینیه امام خمینی رحمته‌الله برگزار شد.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، خانواده شهدای جنگ ۱۲ روزه اخیر، فعالان جهادی، برخی از چهره‌های مقاومت و جمعی از مشارکت‌کنندگان در پویش «ایران همدل» در این رویداد حضور داشتند.

در این مراسم، حجت‌الاسلام والمسلمین محمدی گلپایگانی رئیس دفتر مقام معظم رهبری، با تمجید از روحیه ایثار و همدلی ملّت ایران، به نقش محوری حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ای در حمایت از مظلومین اشاره کرد.

شیخ نعیم قاسم دبیرکل حزب‌الله لبنان نیز در پیامی تصویری به این رویداد، از حمایت‌های رهبری، ملّت و دولت ایران از مقاومت قدردانی نمود.

• توضیحی در مورد نظریه (عندالاستطاعه):

بسم‌الله الرحمن الرحیم

شکی نیست که امروز گروهی به‌خاطر نپرداختن مهریه، زنان در زندان به سر می‌برند و برخی از خیرین با جمع‌آوری وجوهی در صدد آزادسازی آنها می‌باشند و این مشکل هنوز هم در کشور بر پا است. وظیفه قاضی درباره گروه مقصر روشن است. او با اختیاری که شرع مقدس به او داده است می‌تواند به‌اندازه بدهی طرف، او را وادار به فروش برخی از اموال نموده و در صورت امتناع خود به این کار اقدام می‌کند و از این راه مهریه زنان تأمین می‌شود و اما گروه دیگر که توان پرداخت ندارند، حکم آن روشن است. آنجا که قرآن مجید می‌فرماید: (فَظَنطَرَةُ اِلٰی مِیْسَرَةٍ).

اینجانب در دیدار جمعی از خیران یادآور شدم که برای حل این مشکل باید کار ریشه‌ای انجام داد و آن اینکه در عقدنامه‌ها مطالبه زوجه نسبت به مهریه خویش مشروط به وجود توان در طرف زوج باشد. از این جهت باید قوه قضائیه لایحه‌ای به این مضمون به مجلس ارائه کند و تحت مصوبه‌ای محاضر را موظف سازد تا در عقدنامه‌ها این مطلب قید گردد، اینک دلایل این نظریه در ضمن اموری بیان می‌گردد:

- ۱. شرط تمکن از انجام هر نوع مسئولیتی که انسان بر عهده می‌گیرد، یک شرط تبعدی نیست که سبب آن برای افراد معلوم نباشد؛ بلکه عقل و عقلاء با آن همراه است و مقصود از شرط، شرط فعل است نه شرط نتیجه و فرق این دو بعداً بیان می‌شود.
- ۲. اجرای عقد کافی است که مهریه به صورت

توضیح آیت‌الله‌العظمی سبحانی درباره نظریه «عندالاستطاعه» بودن مهریه

حضرت آیت‌الله سبحانی تصریح کردند: مسأله کاهش مهریه و تراضی بر مهر معقول امری مستحسن است اما در شرایط کنونی چندان کارساز نیست؛ زیرا موقع عقد طرفین بر اقل راضی می‌شوند ولی بعداً احساس حقارت می‌کنند و مبالغ هنگفتی را بر عهده می‌گیرند و دوباره دعوا و مراجعه شروع می‌شود. به گزارش خبرگزاری حوزه، حضرت آیت‌الله سبحانی در ارتباط با نظریه (عندالاستطاعه) بودن مهریه توضیحاتی دادند. چندی قبل هم معظم‌له نامه‌ای را درباره بحث مهریه برای رئیس قوه قضائیه ارسال کرده بودند.



دین حال در ذمه شوهر قرار گیرد و مقتضای حال بودن این است که هر موقع زوجه خواهان مهریه شد او ملزم به پرداخت باشد و این مقتضای اطلاق حال بودن دین است. هیچ‌گاه تعلل نمی‌پذیرد به‌خلاف دین مؤجل. ۳. اگر مقتضای اطلاق چنین است برای مسأله دو صورت است:

الف. زوج در واقع متمکن از پرداخت است (این همان عندالاستطاعه است).

ب. زوج توان پرداخت ندارد، زوجه از یک طرف فشار می‌آورد و در طرف دیگر توانی نیست. برای رفع این مشکل باید کاری صورت گیرد.

- ۴. اطلاق شرط (زن در تمام حالات حق مطالبه دارد) به شکل زیر مفید شود.

مهریه به صورت دین حال بر ذمه زوج است ولی مطالبه مشروط بر بودن توان در زوج است.

- ۵. شرط در ضمن عقد بر دو قسم است:

شرط فعل: طلب کاری از مشروط علیه. شرط نتیجه: درخواست عملی شدن موضوعی در ضمن عقد است در حالی که از نظر شرع سبب خاص دارد مانند آزادی غلام که با صیغه خاصی انجام می‌گیرد و با گفتن به شرط آزاد شدن غلام صورت نمی‌پذیرد.

- ۶. باطل بودن شرط فعل، مغایر با باطل بودن

شرط نتیجه است. مقصود از آن در اولی سلب مسئولیت از طرف است نه این‌که شرط اساساً باطل است ولذا اگر در مورد بحث فردی دست او را بگیرد و متمکن سازد و او به شرط عمل کند کار درستی انجام داده است در حالی که شرط نتیجه اساساً باطل و صحت‌پذیر نیست.

• تحلیل برخی از اشکالات

درباره این نظریه از برخی از عزیزان اشکالاتی مطرح شده است. اینک به تحلیل آنها می‌پردازیم.

- الف. «لازمه فساد شرط (مهر) بطلان مهرالمسمی و تبدیل آن به مهرالمثل است نه تبدیل به عندالاستطاعه».

تردیدی نیست در صورت بطلان شرط، مهرالمسمی به مهرالمثل تبدیل می‌شود ولی هرگز گفته نشده بطلان مهر تبدیل به عندالاستطاعه می‌شود بلکه آنچه گفته شده، این است که راه فرار از این مشکل (تبدیل المسمی به مهرالمثل) این است

علاوه بر این، چنین ادعایی، بی‌اساس و مانند پرتاب سنگ در تاریکی است. در زمان دعوت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، هیچ ارتباط مستقیمی بین حجاز و یونان وجود نداشته و هیچ کتابی در این زمینه ترجمه نشده بود.

درباره خطبه‌های امیرمؤمنان علیه‌السلام نیز، مدعیان باید نمونه‌های مشخصی ارائه کنند که در اسلام و یونان مشترک باشد و ریشه عقلانی نداشته باشد.

در پایان، از آقای ملکیان ابراز تأسف می‌کنم که چنین سخنان بی‌اساسی را بیان می‌کنند؛ به‌ویژه با توجه به اینکه ایشان از خانواده‌ای روحانی هستند و پدر و برادر محترم‌شان سال‌ها امام جمعه شهرضا (قمشه) بوده‌اند.

که در عقدنامه‌ها توان زوج شرط شود تا مهرالمسمی به قوت خود باقی بماند و به مهرالمثل تبدیل نشود.

- ب. «خرید نسیه یا اجاره با عدم تمکن از ادای دین در زمان مقرر شرط فاسد تلقی نمی‌شود».

این به‌خاطر این است که فروشنده یا موجر مایوس از تمکن افراد نیست والا معاوضه که روح بیع و اجاره است تحقق نمی‌پذیرد.

ج. «هر گاه به هنگام عقد مشروط‌له با التفات به عدم تمکن مشروط‌علیه حق مطالبه را ساقط کند، اقدام او متضمن مهلت دادن به مدیون برای تأخیر در ادای مهر است».

این مطلب صحیح است و علت آن بیان همانطور است که در شماره ۶ گذشت. تفاوت شرط با شرط فعل نتیجه است، صورت دوم اصلاح‌پذیر نیست مثل اینکه بگوید، این ملک را به تو فروختم به‌شرط این‌که همسرت مطلقه باشد ولی شرط فعل این قابلیت [را] دارد که اصلاح‌پذیر باشد، چون مفاد آن بطلان شرط از اساس نیست بلکه مفاد آن این است که طرف ملزم به کار نیست در عین حال شرط یک نوع حالت تعلیقی دارد که اگر دستی از غیب به کمک طرف برآید، او باید از آن بهره بگیرد. در پایان یادآور می‌شویم، مسئله کاهش مهریه و تراضی بر مهر معقول امری مستحسن است اما در شرایط کنونی چندان کارساز نیست؛ زیرا موقع عقد طرفین بر اقل راضی می‌شوند ولی بعداً احساس حقارت می‌کنند و مبالغ هنگفتی را بر عهده می‌گیرند و دوباره دعوا و مراجعه شروع می‌شود. در هر حال اگر بتوان بین هر دو جمع کرد چه بهتر.

جعفر سبحانی/ ۲۰ مهر ۱۴۰۴

نامه انتقادی استاد فلسفه دین دانشگاه تهران به دانشکده‌های الهیات کشور

دیدگاه ابن تیمیه باشد. ابن تیمیه بر اساس پلورالیسم معرفتی، بحث دقیقی در باره مسأله زیادت نقصان و مراتب ایمان مطرح می‌کند که در دوره جدید، می‌توان آن را به‌عنوان یک الگو در فلسفه دین ارائه داد.»

آیا صحیح است، مسئول دانشکده الهیات، ابن تیمیه را به‌جای حضرت امام راحل رحمته‌الله، رهبر حکیم و فرزانه انقلاب، علامه طباطبائی، استاد شهید مطهری، حضرت استاد مصباح یزدی، حضرات آیات عظام سبحانی، جوادی آملی و... به‌عنوان الگو مطرح نماید و بخواهد به جهانیان معرفی نماید.

این امر حکایت از عدم اطلاع کافی مؤلف از تاریخ اسلام و آموزه‌های شیعی می‌کند.

و توصیه برادرانه به مسئولین دانشگاه آن است که در انتخاب رئیس دانشکده الهیات و مدیران گروه‌های علمی تابعه، احتیاط و وسواس بیشتری داشته باشند. کمترین غفلت در این حوزه، اثرات مخربی را بر باورهای اسلامی دانشجویان برجا می‌گذارد.

با احترام و ارادت

محمد محمدرضایی

۱۴ مهر ۱۴۰۴

که به اثر بی‌اطلاعی با مبانی اسلامی، سخنان ناحقی را به دانشجویان تعلیم می‌دهند که فقط باید تأسف خورد.

برخی از مدیران گروه‌های الهیات نیز در عدم آشنایی با مبانی اسلامی و شیعی و بیان سخنان باطل، گوی سبقت را از دیگران بروده‌اند.

ذات نایافته از هستی‌بخش چون تواند که بود هستی‌بخش خشک ابری که بود ز آب تهی ناید از وی صفت آب‌دهی (جامی) به‌تعبیر فیلسوفان فاقد شیء معطی شیء نخواهد بود.

برای نمونه مطلبی را از کتاب «ایمان و عقلانیت» تألیف ... (نقل می‌کنم). مؤلف در این کتاب، اسوه و الگوی خود را ابن تیمیه (۷۲۸-۶۶۱ ق) عالم حنبلی و سلفی اهل سنت که فلاسفه و شیعه اثنا عشری را تکفیر کرده و نظرات و فهم نادرستی از خدا دارد و قائل به تجسیم خداست و توسل و زیارت پیامبر و امامان معصوم علیهم‌السلام را و نیز لعن یزید را هم جایز نمی‌داند و ... و نیز رهبر معنوی داعش و وهابیت است] دانسته و از آن دفاع می‌نماید. او در صفحه ۱۵۲ چنین می‌گوید:

«به نظر می‌رسد که دیدگاه قابل دفاع در باب ایمان،

خواهش این همکار کوچک شما عزیزان این است، دانشجویان (فرزندان دل‌بندمان) را دریابید.

البته با کمال اعتذار بخشی از بی‌تفاوتی دانشکده‌های الهیات به انتخاب برخی مسئولان دانشکده‌ها و انتخاب مدیران گروه‌های علمی دانشکده برمی‌گردد.

برخی از رؤسا و مدیران گروه‌ها در باب ایمان و اعتقادات و اصول بنیادی تشیع و اسلام مطالبی را در کتاب‌ها و مصاحبه‌های خود بر زبان جاری می‌سازند که حکایت از عدم آشنایی اولیه و مقدماتی آنان با اعتقادات مسلم اسلامی و نیز کلام و الهیات و معارف و فلسفه اسلامی و حتی فلسفه غرب می‌کند که به‌جهت بطلان واضح آنها، از بیان آنها خوداری می‌کنم.

از چنین مدیران ناآشنا با مبانی اسلامی چه انتظاری می‌رود. آیا آنان می‌توانند به‌طور شایسته دانشجویان را در حوزه اعتقادات هدایت نمایند. زهی خیال باطل.

دانشکده الهیاتی که زمانی یادآور مجاهدات‌های علمی علامه شهید استاد مرتضی مطهری و استاد شهید آیت‌الله دکتر محمد مفتح و اساتید بزرگواری نظیر الهی قمشه‌ای و مرحوم راشد رحمته‌الله و ... بود. امروز این دانشکده توسط افرادی مدیریت می‌شود